



سازماندهی زنان کوهستان

مقاله ارائه شده در کنفرانس منطقه‌ای درباره توسعه پایدار مناطق کوهستانی آسیا «کاتماندو، نپال»، ۱۵-۱۳ دسامبر ۱۹۹۴

● [کاتماندو، نپال] توسعه نواحی آسیب‌پذیر کوهستانی در آسیا (ICI/MOD): منبع ●

● نویسنده: Jeanntte D.Gurung

● ترجمه: نسرين آقاجان نوري

تنهائی اقدام نموده و بدنیاال آن برونند. با توجه به انزوا و عقب‌ماندگی، آنها هنوز آن قدر اعتماد به نفس ندارند که برای دستیابی به خدماتی که حق یک شهروند در آن منطقه است، پیشقدم شوند. چنانچه این مسئله برای مردان جوامع کوهستانی مشکل باشد برای زنان مشکل‌تر خواهد بود. به دلیل فرهنگ سنتی معمولاً زنان نمی‌توانند به خارج از محدوده زندگی خود مسافرت کنند و یا با مرد بیگانه‌ای هم صحبت شوند و این باعث می‌شود که در برخورد با مقامات مسؤل و مطرح نمودن درخواستهای خود هیچ‌گونه اعتماد به نفسی نداشته باشند.

● در حاشیه قرار داشتن (۴)

مردم کوهستان از نظر سیاسی و اقتصادی نسبت به ساکنین مراکز شهری و تجاری و مراکز قدرت و تصمیم‌گیری در حاشیه قرار دارند. آنها تعداد کمی سخنگو و نماینده دارند که مسائل مربوط به آنان را در مراکز تصمیم‌گیری مطرح و مورد بررسی قرار می‌دهند. اگرچه، نواحی کوهستانی در طول تاریخ تأمین‌کننده منابع طبیعی مناطق غیرکوهستانی بوده‌اند ولی

در مناطق کوهستانی هندوراس، این کار اغلب بوسیله خود انسانها بدون کمک قاطر یا حیوانات دیگر انجام می‌شود. از آنجائی‌که، اغلب این کارها در مناطق کوهستانی توسط زنان انجام می‌پذیرد، آنان باید سختی حمل بارهای سنگین را به بالای شیب‌های تند تحمل کنند.

● غیر قابل دسترسی (دوردستی) (۳)

دوردست بودن نواحی کوهستانی و وجود مشکلات در زمینه سفر افراد ساکن از مرکز شهرهای کم‌ارتفاع (جلگه‌ای) و مراکز تجاری به این مناطق، باعث انزواي این نواحی شده است. هزینه بالای حمل و نقل و سرمایه‌گذاری در نواحی کوهستانی و عدم ارتباط با مراکز شهری و منطقه‌ای سبب محرومیت این نواحی از برنامه‌های توسعه و رشد تجاری شده است. این رشد و توسعه، مشتمل بر استفاده از خدمات عمومی دولت در زمینه بهداشت، آموزش و توسعه کشاورزی می‌باشد. بنابراین، ساکنان کوهستان می‌بایست برای دستیابی به دانش و خدمات مورد نیاز و پیشبرد زندگی خود به

● ۱- ویژگیهای مناطق کوهستانی

مشخصه‌های طبیعی حیاتی زیست محیطی (۱) مناطق کوهستانی مانند ارتفاع، شکنندگی، خطر آفرینی هوای سرد و حتی هوای رقیق دست کم برای کسانی که خارج از این محیط زندگی می‌کنند، بیانگر یک محیط کاری خشن همراه با مشکلات و رنج و زحمت برای ساکنان آنجا است. در واقع، مشکلات بسیاری در زندگی ساکنان این مناطق وجود دارد که این‌گونه مشکلات در زندگی افراد ساکن در مناطق هموار و جلگه‌ای به چشم نمی‌خورد. با این وجود، زندگی در مناطق کوهستانی نکات مثبتی هم دارد. بنابراین، برای درک بهتر زندگی زنان کوهستان، بررسی محدودیتها و امکانات ناشی از ویژگیهای طبیعی حیاتی زیست محیطی کوهستان لازم است.

● ارتفاع (۲)

بازرترین ویژگی مناطق کوهستانی، ارتفاع آن می‌باشد. بنابراین، در این مناطق حمل و نقل مواد غذایی و آب و سایر مواد از جمله کود، هیزم، علوفه نیاز به انرژی بیشتری دارد.

ساکنین این نواحی خود کمترین استفاده را از این منابع می‌برند. به علت نابرابری در داد و ستدها و توجه بسیار کمی که به حق استفاده آنها از منابع گردیده، این مردم مورد بهره‌کشی قرار گرفته‌اند و آسیب‌های وارده از این بهره‌کشی بیشتر متوجه زنان است که از حقوق قانونی محروم هستند و با توجه به شرایط آنها بویژه با داشتن سواد کم، اعتماد به نفس کافی ندارند. علاوه بر آن، ضعف جایگاه زنان و در حاشیه بودن آنان نسبت به مردان در کلیه جوامع کوهستانی هندوراس به خوبی دیده می‌شود. بدین جهت، زنان کوهستان در اقلیت قرار دارند و عضو پایین اجتماع محسوب می‌گردند و در رابطه با امور سیاسی و قدرت نسبتاً به مردان نسبت آشکاری در حاشیه قرار گرفته‌اند.

خواستها و نیازها و افکار آنها در صحنه‌های سیاسی، منطقی‌ترین و بین‌المللی منعکس نمی‌شود. امروزه زن کوهستان شناخت وسیعی از محیط زیست خود دارد و دارای تجربه‌هایی در امور مربوط به خانه، مزرعه و مدیریت منابع می‌باشد. با وجود اینکه اغلب آنها از تقسیم کار جنسی و آزادی عمل و برخورد با مردان آنگونه که زنان مناطق غیرکوهستانی بهره‌مند هستند، کمتر برخوردارند، اما این موجب عدم رضایت آنان نمی‌باشد.

● تنوع زیستی

گیاهان و حیواناتی که بطور طبیعی در کوهستانها وجود دارند، بطور انتخابی توسط ساکنان این مناطق مورد بهره‌برداری قرار گرفته و هم‌چنین، این منابع بعنوان تکیه گاهی برای بقا و امنیت، توسط آنان حفاظت نیز می‌شوند.

اگر چه، استفاده کنندگان و مدیران اصلی زمینهای کشاورزی و جنگلی در کلیه نواحی کوهستانی هندوراس، زنان می‌باشند. ولی دانش این زنان در ایفای چنین نقشهایی و مدیریت نظامهای تولیدی کوچک برای سازگاری و بقا در این گونه محیط‌ها کافی به نظر نمی‌رسد.

● تنوع فرهنگی

تأخوردی بدلیل وجود تنوع زیستی، تنوع فرهنگی یکی از ویژگیهای مناطق کوهستانی محسوب می‌شود. در این نواحی، قبایل مختلف با زبانها و آداب و رسوم متفاوت زندگی می‌کنند.

● در آینده نزدیک، تأمین مواد حیاتی از قبیل علوفه به روش کشاورزی سنتی که به زمان طولانی‌تر و زمین فراوان نیاز دارد عملی نخواهد بود. شاید بتوان زمین‌های حاشیه‌ای را به منظور تولید احیاء نمود، ولی بهره‌برداری از این گونه زمینها، به لحاظ نیاز به نیروی انسانی قابل ملاحظه و فرسایشی که در پی خواهد داشت، بعید بنظر می‌رسد.

● با دگرگونی سریع روستاهای کوهستانی، زنان که غالباً بیسواد هستند و حتی قادر به خواندن و نوشتن نیستند از دانش‌ها و عملکردهای نوین رایج و یا در حال پیشرفت باز می‌مانند. با ایجاد روشهای گوناگون بهره‌برداری و بدست آوردن نقدینگی توسط مردان، نقش آنان به عنوان کشاورزان و مدیران سنتی ضعیف‌تر می‌شود. بر اثر رکودهای فرهنگی و حرکتی غالباً زنان از دنیای تجاری باز می‌مانند. زنان پذیرنده اطلاعات مربوط به نظامهای پیشرفته کشاورزی نیستند که توسط سازمانهای توسعه ارائه می‌گردد.

کوهستانی شده است.

● دگرگونی شرایط

جوامع دورافتاده، مستقل و خودکفایی مناطق کوهستانی، به تدریج به عضویت سازمانی به نام «جهان روستایی» در می‌آیند. عوامل خارجی از قبیل فشارهای بازار، توسعه روابط بین دولتها، جنبشهای سیاسی، توریسم و پخش برنامه‌های بین‌المللی توسط تلویزیون روز به روز جوامع روستایی و حتی جوامع دورافتاده کوهستان را تحت تأثیر قرار داده است. منابع طبیعی با روند افزایشی توسط مراکز شهری و بازارهای بین‌المللی به مصرف می‌رسند که استخراج بیشتر منابع از مناطق کوهستانی را ایجاب می‌نماید که این کار موجب افزایش درآمد مردم کوهستان می‌گردد. کشاورزی تجاری به صورت نظامی برای امرار معاش درآمده است و داد و ستدهای محلی به طریق پولی انجام می‌شود. مهاجرت مردان به خارج، پذیرنده روشنی است که با تقلیل سوددهی و عدم پایداری

جدایی ساکنان نواحی کوهستانی از دیگر اجتماعات باعث دل بستگی شدید آنها به این مکان شده که این خود، موجب حفظ فرهنگ ملی (زبان و سنتهای فرهنگی) در مقابل تهاجم فرهنگهای غریبومی می‌باشد. در عین حال، جوامع کوهستانی تحت تأثیر فرهنگ بومیان شاغل به کار مراکز شهری و تجاری و هم‌چنین، فرهنگ افراد غریبومی می‌باشند.

● حرکت جمعی یا عملکردهای گروهی

در مناطق کوهستانی، انزوا و ضرورت هماهنگی با یک محیط خشن و شکننده عملکردهای گروهی را موجب گردیده است. بر خلاف مراکز که کارمندان دولت، گردانندگان امورند، جوامع کوهستانی با رضایت کامل، نهادهای خود را به طور رسمی و غیررسمی در جهت اجرای قوانین اجتماعی و حقوقی شکل داده‌اند. همکاری متقابل نظام مبادله کارگر نیز در این مناطق معمول می‌باشد. این سنتن موجب شکل‌گیری نهادهای قوی غیررسمی در جوامع

کشاورزی افزایش می‌یابد. مهاجرت افراد سرزمین‌های پست (جلگه‌ای) که با روش‌های مناسب کشاورزی در کوهستان آشنا نیستند، موجب وارد شدن خسارت‌های محیطی می‌شوند. ادامه تحصیل و کسب فرصت‌های شغلی، باعث مهاجرت جوانان به شهر می‌گردد که این خود عدم هماهنگی و اختلاف طبقاتی را به دنبال دارد. اگر چه همه دگرگونیها منفی نبوده و عده‌ای از ساکنان این مناطق از دسترسی به مدارس نزدیک و مراکز بهداشت و درمان و خدمات دیگر بهره‌مند شده‌اند و جمعی نیز، منافع از توریسم به دست آورده‌اند، ولیکن بیشتر مردم نواحی کوهستانی بویژه زنان و کودکان در این دنیای رو به پیشرفت به سمت فقر مطلق در حرکت هستند.

بر اثر این دگرگونیها، مردم کوهستان قادر نبودند که برای مدیریت منابع خود، سازماندهی مناسبی داشته باشند و صدای خود را به منظور آشنایی با توسعه پایدار به گوش دیگران برسانند. با از بین رفتن سنت‌های قدیمی و مراکز محلی و فرهنگی و جایگزینی آن با کلیت مادیگرایی و مصرف‌گرایی، جهش و حرکت ناگهانی در آنان ایجاد شد.

سازمانهای سنتی در برابر نهادهای جدید و پیشرفته مانند بانکها و ارگانهای پیشرفته دولتی در حال فروپاشی و تغییر شکل هستند.

● ۳ - چشم‌اندازی از مناطق کوهستانی و جایگاه زنان در چنین فضایی

روند فعلی مناطق کوهستانی که توسط افراد این سمینار تشریح گردید، از جهات گوناگون بر ساکنان مناطق کوهستانی تأثیر بسزایی داشت.

فشارهای وارده بر منابع طبیعی، متأثر از افزایش روزافزون جمعیت و تأمین نیاز انسان می‌باشد. و همچنین، فشارهای اعمال شده توسط عوامل خارجی، بهره‌برداری از منابع را برای کشاورزان غیر ممکن ساخته است.

در آینده نزدیک، تأمین مواد حیاتی از قبیل علوفه به روش کشاورزی سنتی که به زمان طولانی‌تر و زمین فراوان نیاز دارد عملی نخواهد بود. شاید بتوان زمین‌های حاشیه‌ای را به منظور تولید احیاء نمود، ولی بهره‌برداری از این گونه زمینها، به لحاظ نیاز به نیروی انسانی قابل

ملاحظه و فرسایشی که در پی خواهد داشت، بعید بنظر می‌رسد. نیاز به نقدینگی، تولید را ایجاد می‌کند که در نتیجه نیروی کار زنان نیز مورد نیاز خواهد بود، بدون اینکه سهم کمی از منافع به آنان اختصاص یابد. همزمان با این نقش اساسی، زنان در کشاورزی معیشتی، جایگاه و ارزش خود را از دست می‌دهند. منابع عمومی که به عنوان منابع تأمین علوفه و سوخت هیزمی برای زنان از اهمیت خاصی برخوردار است، بتدریج کم می‌شود و با توجه به طرحهای حفاظتی جنگل و پارک‌های ملی برای آنان غیر قابل دسترس می‌گردد.

هر چه فاصله زمین‌های کشاورزی و جنگل از محل زندگی دورتر می‌شود، زنان برای جستجو و حمل علوفه و هیزم و آب باید وقت بیشتری را صرف کرده و نیروی بیشتری را به کار ببرند که خود موجب افزایش بار کاری زنان شده و چاره‌ای جز جلوگیری از رفتن فرزندان به مدرسه و به کار گرفتن آنها برای خانواده وجود ندارد. بطور عمومی از رفتن دختر بچه‌ها به مدرسه جلوگیری می‌شود و در نتیجه آنان بیسواد مانده و محکوم به ادامه این چرخش نابرابر هستند.

با دگرگونی سریع روستاهای کوهستانی، زنان که غالباً بیسواد هستند و حتی قادر به خواندن و نوشتن نیستند از دانش‌ها و عملکردهای نوین رایج و یا در حال پیشرفت باز می‌مانند. با ایجاد روشهای گوناگون بهره‌برداری و بدست آوردن نقدینگی توسط مردان، نقش آنان به عنوان کشاورزان و مدیران سنتی ضعیف‌تر می‌شود. بر اثر رکودهای فرهنگی و حرکتی غالباً زنان از دنیای تجاری باز می‌مانند. زنان پذیرنده اطلاعات مربوط به نظامهای پیشرفته کشاورزی نیستند که توسط سازمانهای توسعه ارائه می‌گردد. به عنوان مثال، نقش آنها در سازمانهای غیررسمی کنترل‌کننده منابع جنگلی و آب که به وسیله گروههای جدید و سازمانهای متمرکز و رسمی‌تر که نمایندگان دولت در آنها شرکت دارند و بر ساختار سلسله مراتب اصرار می‌ورزند، تضعیف شده و بطور مؤثری شرکت زنان را غیر عملی می‌نماید. از آنجائی که مردان در خانه نیستند، زنان می‌بایستی در بعضی زمینها تصمیمات مهمی بگیرند که تاکنون تصمیم‌گیرنده نبوده‌اند. اگر چه مدیران واقعی خانواده هستند،

با این حال از مالکیت زمین و داشتن اعتبار و برخورداری از خدمات توسعه یافتگی محروم هستند و باید مزرعه خانوادگی را تحت شرایط بسیار دشوار با منابع کمتر اداره نمایند.

علیرغم این دگرگونیها، بارکاری زنان بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. کشاورزی متکی به بازار، در طبقه بندی سنتی و جنسی کارگر تغییر اساسی ایجاد نکرده است. و براساس روش‌های جدید و با فن‌آوری ذخیره نیروی کار پایه‌گذاری نشده است و زنان مجبورند نیاز روزافزون کارگر را خود تأمین کنند، چرا که این نیاز با مهاجرت مردان ایجاد شده است.

با معرفی محصولات جدید کشاورزی که دارای کمتری هستند، کمبود علوفه تقویت می‌شود و زمانی را که صرف جمع‌آوری منابع علوفه برای دام می‌شود، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

● ۴ - ایجاد تحرک در زنان

برای شناخت نقش کلیدی زنان در مدیریت محیط، بعضی از سازمانهای توسعه دولتی و سازمانهای غیردولتی، بر این عقیده هستند که زنان می‌توانند متحدین قوی در برنامه‌های محیطی باشند. این شناخت بر این اساس است که زنان، اولین کسانی هستند که از نابودی منابع آسیب می‌بینند. با وجود این، اغلب برنامه‌های مربوط به زنان و استفاده آنها از محیط زیست بر دو گونه می‌باشند:

۱ - پروژه‌هایی که با سرمایه‌گذاری سنگین، زنان را در حاشیه قرار می‌دهند. ۲ - پروژه‌ها و طرحهای اختصاصی زنان که در حاشیه برنامه‌های اصلی قرار دارد.

بیشتر سیاستهای کمکی و حمایتی به زنان مقطعی است و به ایجاد شغل و درآمد محدود می‌شود. هنوز نقش اصلی زنان در بخش کشاورزی ارزیابی نشده است.

بهبود بخشیدن به وضعیت زنان و بالا بردن توانمندی آنان برای شرکت مؤثرشان در فرآیند توسعه مورد نظر برخی از سازمانها، بویژه سازمانهای غیردولتی می‌باشد. تصورات این سازمانها از برابری و کیفیت زندگی، آنها را بر آن می‌دارد که در مورد دستیابی به افزایش قدرت و توانمندیها و اعتماد به نفس زنان به پژوهش بپردازند. یکی از روشهای مؤثر جهت دستیابی به این امر، قدرت بخشیدن و تقویت گروههای زنان می‌باشد.

دانش و علوم بومی زنان و محیط زیست خودشان پایه گذاری شد. بنابراین، هر یک دارای فرهنگ ویژه‌ای می‌باشند. با توجه به اینکه بیشتر عضویت محدود به زنان می‌باشد، گروه می‌تواند اطمینان یابد که مسائل مربوط به زنان توسط مردان نادیده گرفته نخواهد شد.

در فرآیند توسعه شبکه‌های رسمی، زنان اعتماد به نفس و حس قدرتمندی خود را تثبیت می‌کنند و از فرصت رهبری برخوردار می‌شوند، در صورتیکه با وجود مردان استفاده از این فرصت برای آنان مشکل می‌شود. همایش‌های گروهی با توجه به اشتغال زنان برنامه‌ریزی می‌شود و به شکل غیررسمی برگزار می‌گردد تا فرصت بیشتری برای شرکت همه اعضا به وجود آید. نیازها و محدودیت‌های مشترک، موجب یک همبستگی گروهی می‌شود که در نتیجه علاقه آنها را به شرکت در عملکردها و بهبود شرایط زندگی آنان افزایش می‌دهد.

● چند نمونه از گروه‌های موفق زنان

مشاهده می‌شود که در طول ده سال گذشته، زنان توانسته‌اند به جای عملکرد انفعالی با سازماندهی و شرکت کارآمد در برنامه‌های توسعه از یک وضعیت رو به زوال به یک توسعه پایدار دست پیدا کنند.

الف: برنامه حمایت روستایی: پاکستان

سازمانهای زنان با موجودیتی جداگانه از نهادهای روستایی تشکیل شد که در آن همه عملکردهای برنامه انجام می‌شود. برنامه حمایتی روستایی آقاخان به منظور ارائه کمک‌های فنی و آموزش‌های ویژه در زمینه بسته‌بندی محصولات توسط زنان (طیورداری و مرغداری سنتی، تولید سبزیجات و نگهداری کودکان) و فن‌آوری ذخیره نیروی کار و آموزش سازماندهی و مدیریت با سازمان زنان وارد عمل شد.

زنان توافق کردند که همایش‌هایی منظم برقرار نمایند و در طرح‌های رهایی بخش همکاری‌های لازم را داشته باشند. در دومین ارزیابی انجام شده به این نتیجه رسیدند که پیشرفت در هر ۳ بخش قابل ملاحظه بوده‌است و در هر ۳ بخش به ایجاد سازمانهای رسمی و افزایش تواناییهای تولید بطور یکسان اهمیت



● ۵- تشکیل و گروه زنان

۱- چرا گروه‌های زنانه؟

چرا باید زنان به عنوان یک گروه جداگانه سازماندهی شوند؟ چه علائق و مشترکاتی آنها را به هم پیوند می‌دهد؟ بیشتر زنان براساس تحصیلات، طبقه، ویژگیهای مذهبی یا قومی تقسیم‌بندی می‌شوند. با وجود این در نقشهایی که جنسیت زنان، آنها را تعیین می‌کند آنان بطور سنتی در حول محور شماری از ملاحظات مرتبط با نیازهای عملی آنان سازمان یافته‌اند. اگرچه، این گروهها غالباً رسمی نشده‌اند. انزوا و عقب‌ماندگی فرهنگی، میزان کار سنگین، سازماندهی زنان و استمرار بخشیدن به انگیزه‌های آنان را امر مشکلی ساخته است.

در مباحث به این نتیجه رسیده اند که برای برخورد با ناتوانی زنان فقیر به یک حرکت یا اقدام جمعی نیاز است که عبارتست از شناخت زیرمجموعه در خانواده و جامعه که پایه‌های همکاری و هماهنگی را پی‌ریزی می‌نماید.

مدتی است که زنان کوهستان به این نتیجه

رسیده‌اند که با کار دسته جمعی و گروهی می‌توانند با کارهای سخت و طاقت فرسایی مانند (کاشت و برداشت) که نیاز به یک مدت‌کوتاه و معین دارد و انجام آن به شکل انفرادی غیرممکن است، آن را ممکن و لذت‌بخش نمایند و در هنگام انباشتگی کار می‌توانند شرکت و همکاری دیگر زنان جامعه را در منابع و کار به حساب آورند.

گروه‌های تعاونی سنتی زنان، باید تشخیص دهند که منافع حرکت دسته‌جمعی (گروهی) می‌تواند فراتر از حوزه خانواده و مزرعه قرار گیرد و کمک‌های خارجی را جذب جوامع خود نمایند. گروه زنان، قدرت خاصی در تضعیف و از بین بردن دو حالتی دارد که زن را در چارچوب خانواده و مزرعه محدود می‌کند.

زنان می‌توانند بطور دسته‌جمعی و گروهی با دستیابی به بنگاههای توسعه از طریق طرح‌های خودیاری، طرح توسعه خدمات و یا اعتبار، نیازهای خود را برآورده نمایند.

مزیت چنین اقداماتی این است که براساس

داده شده است. سازمانهای زنان، در تسریع دسترسی آنان به خدمات اجتماعی مورد نیازشان و ایجاد شبکه‌ای که از طریق آن بتوانند از خدمات فنی برخوردار گردند، برای اعضاء خود بسیار مفید بوده است و با جلوگیری از انزوای زنان و ایجاد اعتماد به نفس در شناخت نیازهایشان از وابستگی آنها به عوامل خارجی در جهت تأمین خدمات کاسته است که برای اولین بار، زنان موفقیت‌هایی را در تولید محصولات کشاورزی کسب نمودند. وجود گروههای جداگانه زنان که قادر به اعلام نیازهایشان است، پاسخ به نیازها را آسان می‌کند، زیرا زنان کارمند این دفاتر می‌توانند بطور مستقیم با زنان تماس برقرار نمایند.

در برنامه حمایت روستایی آقاخان به این نتیجه رسیدند که ساعت کار زنان در مقایسه با مردان از عملکردهای خانه و یا مزرعه بیشتر بوده و مداخله در روستا و یا سازمان‌های زنان را ایجاد می‌کند. آنها بر این عقیده هستند که دسترسی به تعادل در منابع طبیعی و بهبود وضعیت کشاورزی فقط زمانی میسر است که کیفیت کار زنان و دسترسی آنان به منابع تولید بهبود یابد.

ب: بنگلادش: بانک گرامین و انجمن پیشرفت روستایی بنگلادش، گسترش و واگذاری اعتبار به فقیرترین افراد توسط بانک گرامین و ایجاد فرصت‌هایی برای استفاده از نیروی کار فردی با افزایش سطح آگاهی و آرایه آموزش در مراحل سازمانی و گسترش همکاری‌های گروهی در زمینه بهداشت، تغذیه کودک، آموزش برنامه‌های خانوادگی، موجب اشتیاق آنان به تشکیل گروه‌های زنان گردیده است.

وام دادن به زنان فقیر به عنوان بزرگترین مخاطره اعتباری محسوب می‌گردد. این بانک که به عنوان یک نهاد اعتباری کوچک روستایی برای فقرا شروع به کار کرده است، جایگزین یک نظام بانکی شد که قادر به چیره شدن بر مشکلات زنان فقیر است و بیشترین موفقیت این بانک مرسوم چگونگی برخورد و رفتار کارمندی است که تحت آموزشهای ویژه و روشهای پژوهشی عملی قرار گرفته اند.

انجمن پیشرفت روستایی بنگلادش، یک

سازمان غیردولتی است که هدف آن کمک به مردان و زنان فقیر و درمانده است. این سازمان، تأکید اساسی خود را بر ایجاد آگاهی و قدرت گذارده و پاسخگویی نیازهای اقتصادی و اجتماعی فقرا به یک میزان می‌باشد. آنها گروه‌های زنان را از طریق برنامه‌های سوادآموزی تسریع می‌نمایند که این امر باعث بالا رفتن آگاهیها و ایجاد توانمندیهای لازم در اجرای طرحهای گروهی می‌باشد. تشویق مردم به پس‌انداز اندک به منظور ایجاد عملکردهای کوچک از برنامه‌های این سازمان می‌باشد. استفاده از وسایل دولتی و نیروی انسانی و همچنین، آموزش مدیریت و رهبری از برنامه‌های اساسی آنهاست.

ج - نپال: اعتبار تولید برای زنان روستایی طرح تأمین اعتبار تولید برای زنان روستایی یکی از برنامه‌های اساسی دولت نپال می‌باشد که موارد متعددی از قبیل بهداشت، آموزش، اعتبار و عملکردهای تولیدی جهت کسب درآمد در پاسخ به نیازهای فقرا را شامل می‌شود. برنامه‌ریزان این طرح به این نتیجه رسیده اند که ارائه خدمات و کمک‌های فنی به طور ساده و مقطعی برای بهبود شرایط زنان کافی نیست. پیش‌بینی‌های زیادی باید برای بازشناسی ماهیت زنان به کار گرفته می‌شود. این برنامه‌های از طریق گروه‌های زنان، نیازهای اقتصادی و اجتماعی و ارتباط درونی این دو را به طور همزمان برای زنان شناسایی می‌کند. مسئولین دفاتر توسعه زنان به عنوان مشاور به منظور هدایت این گروه‌ها، تعلیم دیده و به آنها کمک می‌کنند تا نیازهای خود را ابتدا به شکل درون گروهی و بعد جهت دریافت حمایت‌های فنی به عوامل دولتی اعلام نمایند.

د: هندوستان: جمعیت زنان کارگر و سازمان زنان مشاغل آزاد:

در سال ۱۹۷۲، زنان روستائین در «اوهارپرادش» به مقابله با افراد سودجو برخاستند که به منظور تجارت، مجوز قطع درختان را در تپه‌های اطراف این روستا را داشتند و با یک حرکت آرام از کار آنان جلوگیری نمودند. از آن پس زنان به عنوان محافظان جنگل همراه مردان در بازسازی جنگل‌ها به کار گرفته

شدند. این درختان به منظور ایجاد مزارع سیب‌زمینی و دیگر کشت‌های فصلی قطع می‌شدند که تاحدی به عنوان یک منبع درآمد قابل قبول مردان بوده، ولی زنان این شعار را سر دادند "برنامه‌ریزی بدون در نظر گرفتن علوفه، سوخت و آب" یک برنامه یک جانبه می‌باشد. همچنین، این گروه زنان، همکاری موفقی را در جهت خلاصی از وجود مردان الکلی روستا پایه‌گذاری نمودند.

ه: جمعیت زنان کارگر (۱۵)

جمعیت زنان کارگر به منظور فقرزدایی مردم حاشیه شهر پایه‌گذاری گردید تا با سازماندهی و تشکیل گروه، بتوانند زنان را از زیر بار قرض‌ها و بهره‌کشی‌ها رها کرده و به آنان اعتبار اعطا نمایند. این جمعیت با تشویق زنان فقیر و ایجاد حس وظیفه‌شناسی و سازماندهی و شرکت آنان در امور، قدرت خلاقه موجود در زنان فقیر را برمی‌انگیزد.

آموزش افراد تشکیل دهنده گروه، آموزشهای فنی و غیررسمی بزرگسالان کلید موفقیت این برنامه است.

و: انجمن همکاری‌های زنان (۱۶)

این انجمن براساس تفکر گاندی پایه‌گذاری شده است و به عنوان یک اتحادیه تجاری، اقدامات خود را در جهت مقابله با مشکلاتی که زنان فقیر شاغل در بخشهای غیررسمی و غیردولتی با آن روبرو هستند، آغاز نمود. این سازمان، زنان فقیر را نه تنها در محیط‌های کاری بلکه در محیط خانه و در تمام مراحل زندگی حمایت می‌کند. در سال ۱۹۹۰، ۲۱ هزار عضو در گروه‌های کوچک، متناسب با محیط زندگی و خانواده کارگری سازماندهی شدند که رهبران گروه را اعضاء انتخاب می‌نمایند. این سازمان، علاوه بر اموری که حمایت از زنان را به عهده دارد، برنامه‌های اعتباری بانک را نیز در این رابطه ارائه می‌دهند.

● ویژگی اقدامات و طرز عمل‌های موفق

موارد متعددی که به عنوان اقدامات موفق ذکر گردیدند، می‌توانند به عنوان راهنما برای ایجاد و پشتیبانی از برنامه‌های توسعه و

سازماندهی گروه زنان به کار گرفته شوند. این موارد عبارتند از:

۱- دولت در قالب یک سری روشها، نظام پشتیبانی و فضای مناسب ایجاد کرده و به دنبال تجربه (آزمایش) و به کارگیری این شیوه ها آنها را به عنوان یک جانشین در برابر نهادهای اعتباری و خدماتی سنتی مودرا ستفاده قرار می دهد.

۲- سازمانهای مربوطه به منظور ایجاد تحرک و حس وظیفه شناسی و سازماندهی زنان به روشهای زیر عمل می کنند:

* آنان را نسبت به مسائل سازمانی حساس می کنند.

* گروههای مشابه را با توجه به نیازهای مشترکشان سازماندهی می کنند.

* پس اندازها را به منظور عملکردهای حمایتی و کمکهای سازنده جنبی به جریان می اندازند.

* آشنایی با دانش و فنون و عملکردهای نوین.

* توسعه روشهای استفاده مطلوب از منابع طبیعی برای توسعه پایدار

* مرتبط نمودن نیازهای حیاتی با نیازهای اجتماعی

* اطمینان به فقرا در جهت بهره مندی از منافع این فرآیند باید با تأکید بر فرهنگ باشد و باید

در اجزای اصلی آن، مشارکت و دانش درونزای زنان مورد نظر باشد. در سطح ملی، دولت

می بایست در نظام ارائه خدمات دگرگونی هائی را بوجود آورد که جوابگوی نیازهای زنان باشد.

می توان گفت که به منظور هماهنگی بین سازمانهای زنان و سازمانهای دولتی و نهادهای مستقل

غیردولتی گروههای واسطه ای مورد نیاز است.

● نتیجه گیری

تحت تأثیر سازمان زنان برای حرکت جمعی، طرحهای مؤثر برای مقابله با ناتوانی و آسیب پذیری و فقر آنان که پیش نیاز یک توسعه پایدار می باشد، ارائه گردیده است.

اهداف برنامه های توسعه به منظور چگونگی زندگی زنان، مبتنی بر دو اصل "وضعیت و شرایط آنان" پایه گذاری شده است. شرایط زندگی زنان در یک چرخه زمانی کوتاه،

زمانی قابل دگرگونی است که ماهیت و اصل زندگی آنها در رابطه با کمبودهای شرایط زندگی

نظیر آب و بهداشت و آموزش و غیره تغییر داده شود. آنها در ارتباط با تقسیم کار بر مبنای

جنسیت و یا در ارتباط با جایگاه زنان براساس قدرت و کنترل منابع تولید مهمترین موضوع

برای مجادله است. اجلاس نیازهای زنان براساس جنسیت به آنان کمک می کند تا برابری

بیشتری بدست آورند و نقشهای موجود را عوض کنند و بدین وسیله جایگاه اقتصادی و اجتماعی

زنان را در رابطه با دیگران دگرگون کنند. زنان مناطق کوهستانی، نیازهای عملی خود

را با نقشهای اولیه، نگهداری و مواظبت از خانواده، تولید کشاورزی، مدیریت اجتماعی

تشخیص می دهند. برنامه ریزان و کسانی که علاقمند به نشان دادن و یا بیان این نیازها هستند

یک هدف را دنبال می کنند و ادعا می کنند که زنان را در روند و فرآیند توسعه در نظر گرفته اند.

کارشناسان صورت نمی گیرد و قبل از اقدام به این کار، باید نیروی انسانی آموزش دیده و آگاه در این زمینه تربیت کرد.

■ منابع

۱- امید بیگی، رضا (۱۳۷۴)؛ رهیافتهای تولید و فرآوری گیاهان دارویی، جلد اول؛ انتشارات فکرروز.

۲- باقری، موسی، رجحان محمدصادق (۱۳۷۶)؛ بررسی وضعیت گیاهان دارویی و استفاده از آنها در ایران و جهان؛ مجله جنگل و مرتع شماره ۳۳.

۳- رادنی، حسین (۱۳۷۳)؛ خط مشی و سیاستهای کلان آموزش کشاورزی؛ مجموعه مقالات سمینار بین المللی آموزشهای علمی - کاربردی؛ تهران.

۴- فخر طباطبایی، سیدمحمد (۱۳۷۳)؛ گیاهان دارویی و اثر عوامل تنشی در زندگی آنها؛ مجله منابع طبیعی ایران؛ سال دوم شماره ۲۷.

به هر حال، برآوردن نیازها برای رسیدن به برابری به تنهایی از طریق طرح و بررسی برنامه های زنان قابل دستیابی نیست. در صورتی می توان از ماهیت نابرابری جنسی زنان تحت سلطه پرده برداشت که سازمانهای مربوط به عملکرد و فعالیت زنان به انسجام و وحدتی قابل قبول رسیده باشند. نیازهای مهم زنان مناطق کوهستانی زمانی برآورده می شود که دولت و نمایندگیهای توسعه، بتوانند به توسعه ای پایدار در مناطق کوهستانی دست یابند.

■ پانویستها:

1. Biophysical
2. Vevticoloy
3. INaccessibility
4. Marginality
5. Biodiversity
6. Cultural Diversity
7. Collective Action
8. Mobilising Women
9. Organising Women
10. AKRSP
11. BRAC
12. PERW
13. SEWA
14. W.W.F
15. S.F.E.W.A

۵. لیست پی. اچ. و اشمیت پی. سی (۱۳۷۳)؛ تکنولوژی ساخت دارو از منشأ گیاه؛ ترجمه فرنوش قرنیا، علی اصغر جهانگیری؛ انتشارات مؤسسه فرهنگی جهانگیری.

۶. ملک محمدی، ایرج (۱۳۷۳)؛ نقش حیاتی آموزشهای علمی - کاربردی و فنی و حرفه ای در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور؛ مجموعه مقالات سمینار بین المللی آموزشهای علمی - کاربردی.

۷. معین الدین، حسن (۱۳۷۶)؛ مراتع، از نگاهی دیگر (اجتماعی و زیست محیطی)؛ مجله جنگل و مرتع شماره ۳۳.

8. Racz G. (1982); modern use of medicinal plants, Napoca; kolozsva (Inmedicinal Hungarian).

■ پی نوشتها:

1. Digitalis spp.
2. Catharanthus roscus.

ادامه صفحه ۳۴

میلی گرم از انواع آن، ناگزیر به نابودی همه رویشگاههای طبیعی آن هستیم. در حالی که،

وجود یک گیاه دارویی در یک منطقه نه تنها نشانگر اوضاع و شرایط اقلیمی حاکم بر آن

است؛ بلکه می تواند به عنوان منجی جهت ذخایر ژنی بیوشیمیایی و انجام بررسیهای زیست

محیطی پی گیری و مدلسازی شود. لذا گرایش به سمت شناخت مناطق زیست محیطی مناسب با

گیاهان دارویی و معطر و نیز مدلسازی آنها در مزارع به سبب تولید انبوه آنها ضروری بنظر

می رسد. ذکر این نکته نیز ضروری است که انتقال فن آوری تولید بیوژن از طبیعت به آزمایشگاه و مزرعه جزم با دست توانای